

حکمرانی و ریاضت



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

آقای رئیس‌جمهور طی سخنانی اظهار کرده‌اند که آب نداریم و مردم کمی ریاضت بکشند. البته اشاره ایشان به صورت مشخص به آب بوده اما بعید نیست و البته واضح است که تمایل صدرنشینان به ریاضت‌کشیدن مردم است، مثل آن استاد پزشکی و تاریخ و سیاست و فلسفه که فرمودند مردم باید با دمیایی و گفته کشیکف به جنگ استکبار بروند، یعنی هم ریاضت بکشند مثل فرزندان ایشان در ترکیه، و هم بی‌امکانات بچکنند.

البته ریاضت‌کشیدن خوب است، هم شکم برآمده فربه‌ها را کوچک می‌کند و هم به انسان‌ها علو روحی می‌دهد، همچنان که سعدی می‌فرماید «اندرون از طعام خالی دار/ تا در آن نور معرفت بینی».

آقای رئیس‌جمهور انسانی با صداقت و راستگو است و مثل دیگران نیست که حرف‌ها را پنهان کند و در لاف‌ه بیان کند. این حرف رئیس‌جمهور در طول سال‌های گذشته اگر گفته نشده، شواهد آن را نشان داده است. مثلا در سالن‌های کنفرانس که نهادها و سازمان‌های دولتی می‌سازند یا با هزینه فراوان – بدون ضرورت– بازسازی می‌کنند، صندلی‌های ردیف اول را بزرگ‌تر و پهن‌تر می‌کنند. چون مردم عادی با ریاضت‌کشیدن عرض بدن‌شان کم شده، بنابراین صندلی کوچک می‌خواهند و ردیف‌اولی‌ها چون ریاضت نمی‌کشند، پهنای بدن‌شان (و البته عرض و عمق بدن‌شان) بیشتر شده، پس صندلی مخصوص می‌خواهند که در آن بتوانند جای گیرند.

حال مردم در کشوری که همه چیز دارد، گیریم با ریاضت موافق باشند. سؤال اینجاست که در این حالت دولت می‌خواهد چه کار کند. البته خواهند گفت دولت هم ریاضت خواهد کشید، اما از نوع ریاضت کار، یعنی کار را اطلاق می‌دهد و ریاضت کار می‌کشد. از این برداشت گله دارید؟ خوب به نوعی مثبت می‌گویم. قبول می‌کنیم که مردم ریاضت بکشند حال در قبال این ریاضت‌کشی دولت چه خواهد کرد؟ اینجا ریاضت را به معنی تحمل سختی کار تلقی می‌کنیم. یعنی همراه با آنکه مردم به خود سخت می‌گیرند و ریاضت می‌کشند، دولت هم به خود سخت می‌گیرد و کارهای مهمی انجام می‌دهد. حال می‌خواهیم بدانیم دولت می‌تواند این کارها را انجام دهد؟

دولت می‌تواند از قاچاق ۳۰ میلیون لیتر سوخت در روز به خارج جلوگیری کند و از ورود قاچاقی سالانه ۳۰ میلیارد نخ سیگار و همچنین ورود کالاهای دیگر قاچاق جلوگیری کند؟

دولت می‌تواند از پسماندها استفاده اقتصادی کند و شهرها را نجات دهد؟ دولت می‌تواند فاضلاب‌ها را تصفیه کند و از ریختن آن به رودخانه‌ها جلوگیری کند؟

دولت می‌تواند برای خشک‌نشدن دریاچه ارومیه و دیگر دریاچه‌ها و تالاب‌ها و احیانا لایروبی آنها کاری کند؟

دولت می‌تواند از تولید مواد غذایی تقلبی که جان مردم را به خطر انداخته، جلوگیری کند؟

دولت می‌تواند از نشست دشت‌ها و شهرها جلوگیری و آن را متوقف کند؟

دولت می‌تواند از هدررفت انرژی در کشور جلوگیری کند؟

دولت می‌تواند از خروج سرمایه از کشور جلوگیری کند؟

دولت می‌تواند این فاصله طبقاتی عجیب را از بین ببرد و فسادِی را که باعث این تفاوت طبقاتی شده، از بین ببرد؟

دولت می‌تواند با فساد اطرافیان برخی مسئولان برخورد کند؟

دولت می‌تواند با مصرف‌کنندگان اسرافگر دستگاه‌های غیرقانونی بیت‌کوین و اماکن عمومی که انرژی را بی‌جهت بر باد می‌دهند، مقابله کند؟

دولت می‌تواند به بهبود تکنولوژیکی تجهیزات مصرف‌کننده انرژی کمک کند؟

دولت می‌تواند تهدیدات علیه ایران را متوقف کند؟ آیا مردم مجبورند همواره سایه جنگ و هراس از آینده را در دل داشته باشند؟ نمی‌شود مردم را به ریاضت بخوانیم و خود کاری در جهت حفظ ایران و مردم ایران انجام ندهیم.

مردم آمادگی ریاضت دارند، به شرطي که در ناصیه دولت (حکمرانی) نور رستگاری ببینند. دولت برنامه خود را اعلام کند و آن‌گاه مردم را به ریاضت فراخواند. می‌گویند ژنرال جیاب، فرمانده مشهور ویتنامی، ازسفر یکی از گروه‌های انقلابی دیگر کشورها بازدید می‌کرد و مشاهده کرد که آنان در شرایط بسیار مطلوبی زندگی می‌کنند. به آنها گفت انقلاب شما موفق نمی‌شود؛ زیرا جدا از مردمان هستيد و نوع دیگری زندگی می‌کنید.

ادامه‌در صفحه ۱۱

پنجشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۴
۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۹ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۲۴
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

محک واقعی دیپلماسی ترامپ برای توقف جنگ فتره و حفظ توازن میان تل آویوو پایتخت‌های عربی

آزمون شرم‌الشیخ

«شرق» در دومین سالگرد هفتم اکتبر، آثار این رخداد پر‌نظم منطقه‌ای و جهانی و جایگاه ایران در این نظم را واکاوی می‌کند

بین بحران و بیداری

شرق روزنامه

عباس صالحی:

مشکلات تأمین کاغذ نشریات به‌زودی رفع می‌شود

۳

در «شرق» امروز می‌خوانید:
عراقچی تماس با ویتکاف و هرگونه گفت‌وگو با طرف آمریکایی را تکذیب کرد
• به مناسبت روزملی کودک؛ کودکان بی‌آینده
• پاداش عجیب و باورنکردنی به فوتسال زنان

برگزیده‌ها

گزارشی از دسترسی آسان اسلحه برای افراد عادی و ثبت تعداد قابل توجهی از قتل‌های خانوادگی با سلاح گرم

معامله با مرگ

دیدارهای تدارکاتی تیم ملی فوتبال با تیم‌های رده‌باین فیفا

کاچی بهتر از هیچی

برونده

«شرق» دستاورد برندگان نوبل ۲۰۲۵ پزشکی ، فیزیک و شیمی را بررسی کرد

نوبل در دستان نوآوران

- راز «سلول‌های تی تنظیمی» و تأثیر آنها بر آینده پزشکی
- آشکارسازی رفتار کوانتومی در مقیاس انسانی
- ترکیبات شیمیایی نوین، سازندگان عصر جدید

۶

یادداشت

ایرانیان، هم قدرت می‌خواهند و هم ثروت
یادداشتی از یکاکوس پورایوبی

۱۱

راه‌حل ساده برای صدور گواهینامه موتورسیکلت زنان
یادداشتی از ابراهیم ایوبی

۱۲

یادداشت

انتقام ارزی



ابوالفضل گرمایی

وزیر اقتصاد در سخنان اخیر خود به گونه‌ای بانک مرکزی را مسئول رشد انفسارگسیخته نرخ ارز معرفی می‌کند که گویا دولت و حاکمیت در تلاشی شبانه‌روزی برای افزایش ارزش ریال هستند و ضعف سیاست‌گذار پولی (بانک مرکزی) همه تلاش‌های آنها را خنثی کرده است. برجسته‌کردن نقش «هیئت عالی بانک مرکزی» در سخنان او در خدمت همین نگاه موجب تحریف واقعیت اقتصاد سیاسی ایران است. تقلیل‌دادن نقش وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه در افزایش نرخ ارز به دورای در «هیئت عالی بانک مرکزی» نیز بخشی از همان نظام تحریفی است که همواره کوشیده است به هر قیمتی ردیای مافیای سرمایه را در کاهش ارزش ریال پنهان کند. اگرچه سناریوی «نظم پولی» سرمایه‌دارانه –با محوریت بازسازی هدایت اعتبار به صاحبان سرمایه– در بیرون از دولت نوشته و کارگردانی می‌شود، ولی فقط بازیگران کاربلد (وزرا و وکلا) می‌توانند نقش‌ها را خوب از آب درآورند. بازیگرانی که حضورشان باید «فقدان» دولت را نمایندگی کند و نه خود دولت را. وقتی چارچوب دولت مدرن به مدد اهرم‌های فرادولتی هر روز مچاله‌تر می‌شود، آنچه باقی می‌ماند نه دولت وعده داده‌شده، بلکه کاریکاتور از دولت است؛ حضوری نمایشی که غیاب واقعی را می‌پوشاند؛ بنابراین نقش دولت ایران حتی در حد تضمین بازتولید روابط سرمایه نیست. این کار پیش‌تر در حلقه‌های فرادولتی انجام می‌شد که وظیفه اصلی آن رنگ‌ولعاب بخشیدن به «فانتری نظم پولی» است. «شیخ دولت» حضور دارد، بودجه می‌ریزد و به واسطه نهادهایش (هیئت عالی بانک مرکزی) سیاست می‌چیند؛ اما این «حضور» درواقع پرده‌ای بر «غیاب» همیشگی اوست؛ غیابی که بیشتر حضور نهاد فرادولت را تضمین می‌کند.

ادامه‌در صفحه ۱۱

یک ماه ادامه دارد. بوستان جوانمردان با جشنواره اقوام ایرانی و قاعدتا دیگر فضاهای باز شهرداری نیز به همین مناسبت در همه جا مردم را به خود جذب می‌کنند که جای شکر دارد. حتی همراه اول و پلیس هم روز تهران را برگزار کرده و تعارفاتی با مردم تهران ردوبدل کردند. آیا می‌توانیم امیدوار باشیم که در این دوران خاکستری، شهرمان تهران جای بهتری برای زیستن و شادی در عین آرامش شود؟ م. مقصودی به‌درستی می‌نویسد: اگر روایت به زیست مردم نرسد، چیزی جز خاطره‌نویسی نیست. ما دیگر از شنیدن داستان‌ها خسته‌ایم. این شهر نه به شعر، که به امکان زیستن نیاز دارد... از پیاده‌روی بی‌اضطراب، تا خیابان‌های تمیز و هوای پاک... نه آیین‌های نمادین، که نظم و احترام به زیستن! بله، ما خود تهران را می‌خواهیم؛ برای یک زندگی با عزت و شساد و سالم! اما در روایت پایتخت در بنیاد ایران‌شناسی نکاتی گفته شد که نمی‌توان نادیده گرفت. دکتر احمد مسجدجامعی، تهران‌شناس بزرگ و روایتگر درجه‌یک محلات شهرمان، با اشاره به اقوام و فرهنگ‌های متنکر و گوناگونی که تهران را بر ساخته‌اند، این تنوع و مدارا را از ارزش‌های پایدار فرهنگی تهران دانست. دکتر عباس عربی نیز در همان مراسم، از ارزش تاریخ شهری نهفته در اسناد غیررسمی روایت‌های محلی و خانوادگی گفت. او گفت که اسناد خانوادگی و خاطره‌های مردمی می‌توانند منبعی گران‌سنگ برای بازسازی هویت شهری باشند.

۱۱
ادامه‌در صفحه ۱۱



ترانه‌یلدا

معمار و شهرساز

اسلامی به اتفاق در خانه اتحادیه لاله‌زار که قرار بود خانه طهران باشد و درش رو به همگان باز... امسال برنامه‌هایی فرهنگی را تدارک دیده و از صبح با جلسات مختص لاله‌زار و فیلم و نقد و بحث، تا غروب با آیین‌های نمایشی تهران قدیم (برده‌خوانی، تعزیه، خیمه‌شب‌بازی، سیاه‌بازی و...) مردم تهران را تا یک هفته به گفت‌وگو و شادی در لاله‌زار دعوت کرده‌اند. باغ کتاب نیز با برنامه فرح‌بخش «قصه غذاهای تهران» مجموعه‌ای از مکان‌های تهران مانند بازار، کاروان‌سرای خانات، موزه هنرهای معاصر و... را به دمیختک، آبگوشت آجیلی و کوفته دست به گردن یار و... پیوند زده است، که حتما کار جالبی است؛ به شرطی که غذاهای کتاب را هم به ما نشان دهند! در موزه عکاسخانه خیابان بهار شیراز نمایشگاهی تحت عنوان «سیمای تهران» برپاست که تا

یادداشت

فصل تازه در حکمرانی ورزش و رسانه با «حق پخش»



علی بهادری جهرمی

عضویت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

خواهد بود.

طی‌کردن غلط مسیر نیز ممکن است به سمت بازشدن بیشتر پای بازیگران خارجی در هر دو حوزه به‌عنوان فعالان اقتصادی، حامیان مالی یا رقیبای رسانه‌ای یا هر نوع کج‌رفتگی در این مسیر تحول‌آفرین بینجامد.

صدوسیما ناگزیر خواهد بود در عرصه رقابت جدید رسانه‌ای، رویکرد تازه‌ای اتخاذ کند. دیگر انحصار مطلقی

بر تولید و پخش وجود نخواهد داشت و صدوسیما باید خود را به‌عنوان یک بازیگر میان سایر رقبا بازتعریف کند. این یعنی ورود به دنیای متفاوتی از حکمرانی رسانه‌ای در حوزه ورزش که ممکن است به سمت مدل کاملاً متفاوتی از وضعیت رسانه‌های صوتی و تصویری در کشور حرکت کند. این اصلاح را نباید به چشم یک تغییر ساده دید؛ چنین